خراسان رضوی

صفحه آخر

سه‌شنبه
۹ آبان ۱۳۹۶
۱۱ صفر ۱۴۳۹
۸ صفحه/شماره ۳۷۰۲

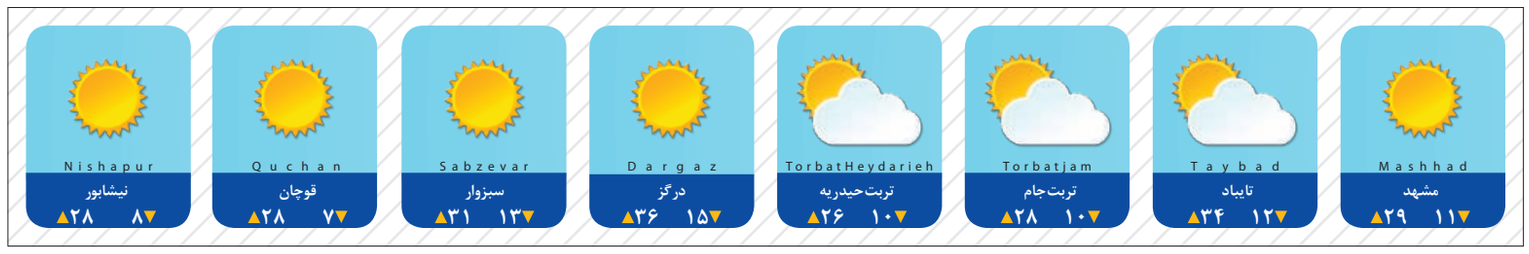

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

هیچ کس چیزی را در دل پنهان نداشت، جز این که در لغزش های زبان و خطوط چهره او آشکار شد.
نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۴۷۲، ح ۲۶

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی! ای داننده هر چیز و سازنده هر کار و دارنده هر کس
نه کس را با توانبازی و نه کس را از تو بی نیازی
کار به حکمت می اندازی و به لطف می سازی
نه بیداد است و نه بازی...

با شاعران

خراسان به روایت خراسان

۹ آبان ۱۳۵۰

تلفن های مشهد ۵ رقمی می شود

۴۶ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: اداره تلفن خراسان طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که با توجه به توسعه مرکز و افزایش تلفن های شهر مشهد شماره تلفن های موجود از چهار رقمی به پنج رقمی تبدیل خواهد شد و این کار از روز چهاردهم تا بیست و دوم آبان ماه جاری هنگام شب انجام می شود تا حتی الامکان مضیقه ای برای مشترکان فراهم نشود. در این اطلاعیه گفته شده است که برای تبدیل شماره های چهار رقمی به پنج رقمی به اول شماره های مذکور عدد ۲ افزوده می شود به این ترتیب مثلاً شماره ۴۲۱۱ به شماره ۲۴۲۱۱ تبدیل خواهد شد. در پایان اطلاعیه خاطرنشان شده که پس از اتمام برگرداندن شماره تلفن ها چنان چه مشترکان تلفن به اشکالاتی برخورد کردند، مراتب را به تلفن های ۱۶ و ۱۷ اطلاع دهند.

گل پری مرد مزاحم را سر به نیست کرد

یک زن، مردی را که مزاحمش شده بود به طویله کشاند و با کمک شوهر و برادرش به قتل رساند.
جنایت در قریه ای حوالی بجنورد اتفاق افتاد و دو تن از متهمین آن در شعبه دوم دادگاه جنایی استان محاکمه و محکوم شدند. چندی پیش جنازه جوانی در یک روستا کشف شد و با تحقیقاتی که به عمل آمد مشخص شد دو فرد به نام های «ی» و «ن» در مظان اتهام قرار دارند. آن ها پس از دستگیری اعتراف نمودند از مدت ها پیش این جوان که به کار دکان داری مشغول بود برای گل پری همسر «ن» ایجاد مزاحمت می کرد. گل پری شکایت او را به همسر و برادرش می برد. آن ها از گل پری می خواهند تا در یک فرصت مناسب وی را به طویله ای که مدنظر بوده بکشاند و چنین می کنند. در طویله این دو نفر دستمالی در دهان جوان کرده و او را با طناب خفه می کنند. بر اساس اعترافات متهمین پرونده تشکیل و پس از طی تشریفات قانونی کیفرخواست علیه آن ها صادر می گردد. متهم دیگر یعنی گل پری با توجه به صغر سنی هنگام جنایت در دادگاه اطفال محاکمه خواهد شد. دادگاه جنایی با توجه به جهات مختلف پرونده و پشیمانی متهمین در رای خود تخفیف قائل شد و هریک را به هشت سال حبس با اعمال شاقه محکوم کرد.

یک هوس حاج خانم را روانه بیمارستان کرد

حاج خانم ۸۰ ساله ای که هوس پوشیدن کفش پاشنه بلند کرده بود، کفش های عروسش را به پا کرد و در خیابان به راه افتاد که پس از مقداری راه رفتن، به زمین خورد و پایش شکست. پیرزن مصدوم جهت معالجه به بیمارستان سوانح منتقل گردید.

نمای تاریخی

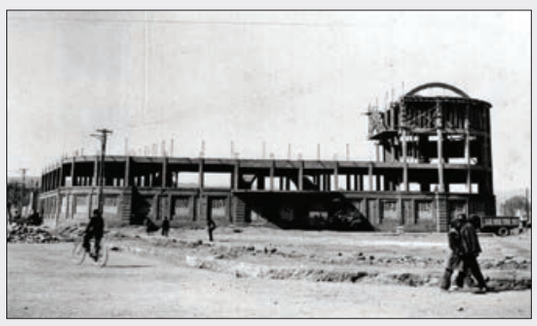

تصویری قدیمی از مراحل ساخت ساختمان شهرداری مشهد – حوالی سال ۱۳۲۰

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد	کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۲۱۰۰	کیلوگرم	برنج پاکستانی درجه یک	۷۳۰۰	کیلوگرم
سیب زمینی	۱۸۰۰	کیلوگرم	روغن مایع	۵۲۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
پیاز زرد	۱۹۰۰	کیلوگرم	مرغ گرم	۶۲۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۷۰۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۶۵۰۰	کیلوگرم
لوبیا قرمز	۸۲۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۷۵۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی جامد	۲۳۵۰۰	حلب ۵ کیلویی			

آدم ها، قصه ها

ناظمی

دیداری با آخرین بازمانده از نسل اول تئاتر مشهد

من خاک پای ملت ایران هستم

لبخندی شیرین بر لب دارد و سینه‌ای پُر از حرف، اما لب‌ها در بیان کلمات همراهی نمی کنند. گرد سپیدی که بر موهایش نشسته، ماحصل تجربه‌ای گران قدر است البته به انضمام غم‌ها، خون‌دل‌ها و حسرت‌های یک مسیر پُر فراز و نشیب. هر چه بوده و هست، حالا امروز نامش به نیکی در میان بزرگان عرصه هنر کشورمان جای گرفته است.
«محمد شاهرودی»، یکی از بازیگران بازمانده از نسل اولی‌های تئاتر مشهد است که در ۹۲ سالگی، تاریخ زنده این هنر در شهرمان به شمار می‌آید. البته کسالت باعث شده خاطرات از سلول‌های خاکستری مغزش بگریزند و توان بیان آن‌ها را به درستی نداشته باشد، با این وجود وقتی آلبوم عکس‌های سیاه و سفید را پیش رویش می گشاییم، ذوقی در نگاهش جوانه می‌زند و با اشاره و کلمات بریده بریده، اسم چند نمایش را برایمان می گوید.
او را در یک عصر پاییزی و در حاشیه عیادت اعضای یک گروه مردم نهاد به نام «چهارباغ» ملاقات می کنیم. فرصتی کوتاه اما مغتنم تا جسته و گریخته از روزگاری بشنویم که بر او و هنرش رفته است.

بازیگر نقش قهرمانان ملی

به اذعان سجلی‌اش متولد ۱۳۰۴ در شهر مشهد است، آن هم در خانواده‌ای ساده‌زیست که حرفه پدر، هیزم‌شکنی بوده است. آن طور که اطرافیان استاد شاهرودی بر ایمان تعریف می کنند، وی در نوجوانی علاقه زیادی به سینما داشته و هر بار گذرش به خیابان ارگ می‌افتاده، سمت سینماهای آن راسته را پیش می گرفته و به تماشای فیلم‌های پُر طرفدار آن دوران می‌نشسته است.
ورود او به عرصه هنر از یک اتفاق ساده آغاز می‌شود. خط محمد در نوجوانی خوب بوده و همان بهانه‌ای می‌شود تا استادش او را تشویق به نگارش اسناد مختلف کند. محمد نوجوان هم کار خطاطی نامه‌ها و قراردادها را عهده‌دار می‌شود و از این بابت برای خودش شهرتی رقم می‌زند. اما همین هنر او را به سینما نیز نزدیک‌تر می کند. زمانی که ۱۴ سال داشته، یک روز از مقابل مغازه اصغر شکوهی تابلونویس تئاتر رد می‌شود و تابلوهای مغازه نظرش را جلب می کنند، می‌ایستد و با اشتیاق تماشایشان می کند. شکوهی که توجه‌وی را به خط می بیند، از او می‌خواهد اگر علاقه‌ای به این کار دارد، شاگردش شود. محمد نیز روی کاغذ، خطی می نویسد که مورد پسند قرار می گیرد و از همان زمان او به عنوان تابلونویس تئاتر و سینما کارش را آغاز می کند.
او با پیشنهاد اصغر شکوهی که در سیرک نیز فعالیت داشته، وارد صحنه تئاتر می شود. آن سال‌ها در اغلب سینماهای مشهد، تئاتر هم اجرا می‌شده است. در سال‌های دهه ۲۰ نمایش کاوه آهنگر در سینما هلال احمر (شیروخورشید) روی صحنه می‌رود. محمد مشتاق بازی در این نمایش بوده و با واسطت یکی از بازیگران با مسئول گروه آشنا می‌شود. تست می‌دهد و بازی‌اش مورد توجه قرار می گیرد، خلاصه با همین اتفاق پای او به صحنه تئاتر باز می‌شود.
خودش جایی تعریف کرده است که؛ «از همان ابتدا و بعد از نخستین بازی‌ام در تئاتر کاوه آهنگر به عنوان هنرپیشه نمایش های تاریخی به ایفای نقش پرداختم و حدود ۲۰ سال در این حوزه بازی کردم. مهم‌ترین این نقش ها عبارتند از: نقش بابک خرمدین، سپهبد بهرام، کورش کبیر، رستم و نادر پسر شمشیر. من هیچ گاه از ایفای نقش قهرمانان تاریخی و ملی خسته نمی شدم و همیشه سعی می کردم عدالت خواهی و ظلم ستیزی این قهرمانان ملی را بیشتر نشان دهم.»
این بازیگر در آن سال‌ها بر صحنه تئاتر اتفاقات متفاوتی را رقم می‌زند. یکی از آن‌ها در دوران جنگ جهانی دوم و هنگام ورود نیروهای شوروی به ایران بوده که بر اثر آن فقر و قحطی هم در کشورمان رقم می‌خورد. وی جایی در خاطراتش بیان کرده است: «در آن زمان ظلم به مردم زیاد شده بود و همه از این وضعیت خسته شده بودند. سال ۱۳۲۳ دسته های نظامی روس ها در محلات اصلی شهر مستقر شده بودند و هر صدای مخالفی را خفه می کردند. من از سختی کشیدن و فقر همشهری هایم نگران و ناراحت بودم. به همین دلیل به فکر افتادم که برای بازگشتن امید و شادی در دل همشهریانم یک بار دیگر داستان کاوه را روی صحنه ببرم. البته روس ها با نمایش های ملی و تحریک آمیز مخالف بودند. به همراه چند تن دیگر از بازیگران تئاتر یک سالن نمایش در خیابان ارگ را آماده کردیم و نمایش کاوه را با کمی تغییرات به صحنه بردیم. نمایش رایگان بود و جمعیت بسیاری آمده بودند. اجرای این نمایش شور و حال زیادی در مردم ایجاد کرد به طوری که در پایان نمایش، تماشاچیان پرچم شوروی را پاره کردند. اجرای این نمایش تاثیر خوبی در زنده شدن روحیه ملی و اراده مردم داشت.»

عنوان افتخاری استادی

وی بعد از چندین سال کار در حوزه تئاتر در سال ۱۳۳۱، به تهران می‌رود و به استخدام آموزش وپرورش در می آید. در آن شهر نیز به انضمام دبیری و آموزش، کار تئاتر را از سر می گیرد و با بزرگان تئاتر آن دوران همچون عزت ا... انتظامی، علی تابش، مجید محسنی و... شروع به همکاری می کند. با اجرای نمایش در تالار شهر تهران برای خود شهرتی رقم می زند و از طرف مجامع مختلف از او تقدیر و حتی عنوان افتخاری استادی به او اعطا می‌شود.
شاهرودی اگر چه طی سال های حضورش در تهران طرفداران زیادی در این عرصه داشته اما زمانی که از وی دعوت می شود در سینما فعالیت کند، آن را نمی‌پذیرد. وی در آن سال‌ها همچنین از طریق آشنایی با محسن فرید در رادیو مشغول به کار می‌شود و در کنار هنرمندان برجسته آن دوران به گویندگی در برنامه قصه های هزار و یک شب می‌پردازد و آن نسل خاطره انگیز را می‌سازد.

من خاک پای ملت هستم

فعالیت او در عرصه تئاتر با دشواری هایی نیز همراه بوده است. نسل او به اذعان اطرافیانش، در دوره‌ای این هنر را زنده کردند که نگاه‌ها به آن به واسطه رویکردهای سنتی، منفی بود. اما دلایل متعددی باعث می‌شود این استاد برجسته تئاتر در این سال‌ها بی مهری‌هایی را تجربه کند. خانواده استاد تاکید دارند که او از روی فروتنی و تواضع کمتر درباره جایگاه و درخشش‌هایش در حوزه تئاتر سخن به میان می‌آورد و هر آن چه در توان داشت صرف انتقال تجربیاتش به جوان‌ترها می کرد.
نسل جوان اما قدر او را بیشتر می‌داند، این را می‌شود از شور و شوق جمعی دید که به دیدار استاد آمده‌اند. خانواده استاد شاهرودی بر ایمان می گویند که هر بار حرف از مشکلات و کمبودها یا ارزش هنر او می‌شده، او با لبخند این جمله را بر زبان می‌آورده است: «من خاک پای ملت ایران هستم.»

یادداشت

شهلا کاظمی پور

عضو هیئت علمی مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با اصلاح نگاه‌ها و رویکردها

عوامل متعددی در طول یک دهه گذشته باعث شده آمار زنان سرپرست خانوار رو به فزونی بگذارد و این پدیده اجتماعی در مسیر رشد خود به دغدغه‌ای برای جامعه تبدیل شود. اما در مسیر مواجهه با این بحث، بیش از همه نیاز است تا این واقعیت اجتماعی از طرف جامعه و به تبع آن ساختارهای تصمیم گیر و تصمیم‌ساز پذیرفته شود و انکار یا نادیده گرفته نشود.
اما آن چه در گام اول باید تبیین شود، مفهوم اصطلاح «زنان سرپرست خانوار» و جامعه‌ای است که این بحث به آن اطلاق می‌شود. از آن جایی که در عمده جوامع انسانی، پدر به عنوان ستون خانواده، مسئولیت سرپرستی و مدیریت آن را بر عهده دارد، پدیده بی‌سرپرستی در اغلب تعاریف با عنوان فقدان پدر در خانواده تعریف می شود و در این شرایط است که زن جایگاه مدیریت و سرپرستی پیدا می کند.
از این منظر، زنان سرپرست خانوار شامل زنان بی سرپرست، زنان بدسرپرست و زنان خودسرپرست می شوند که بخش زیادی از مشکلات آنان مشترک است و خلاء عاطفی و ترس از تنهایی تأثیر مستقیمی بر فرایند توانمندسازی آنان دارد.
در نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵، از ۲۴ میلیون خانوار ایرانی، سه میلیون آن‌ها را زنان سرپرست خانوار، مدیریت می کردند. این آمار قابل تامل، باید یک دغدغه جدی را ایجاد کند، چرا که این جنس خانواده‌ها نیازمند توجه و حمایت‌های ویژه هستند.
باید اذعان کرد تاکنون به رفاه اجتماعی زنانی که سرپرستی خانوار را بر عهده دارند، توجه چندانی نشده است. اگر مسائل و مشکلات این زنان را با شاخص های رفاه مقایسه کنیم، شکاف گسترده‌ای را مشاهده خواهیم کرد.
همواره مشکل فقر در خانوارهای زن سرپرست، بیشتر از خانوارهای با سرپرست مرد بوده است. قاعدتا عامل فقر اقتصادی، تاثیر مستقیم و غیر مستقیم خود را بر وضعیت فرهنگی، اجتماعی و همین طور وضعیت اکولوژیکی خانواده می گذارد. بسیاری از این زنان، از نبود یک چتر حمایتی و تامین مالی و اجتماعی رنج می برند.
در حقیقت زنان سرپرست خانوار از زمانی که همسر خود را به هر دلیلی از دست می دهند، مجبور به ایفای نقش های چندگانه می شوند که در تعارض با یکدیگر قرار دارند. گروه عمده‌ای از این زنان با فقر، ناتوانی و قدرت نداشتن به ویژه در امور اقتصادی خانوار رو به رو هستند؛ به گونه ای که عزت نفس و سلامت روانی آنان مختل و زمینه‌های ابتلا به افسردگی و دیگر اختلال های روحی تشدید می‌شود.
اما برای اصلاح بخشی از آسیب های اجتماعی و در پی آن پیشگیری از تشدید مشکلات فرهنگی و اجتماعی، ضروری است نیازهای این قشر مورد توجه تصمیم‌سازان و حتی آحاد جامعه قرار گیرد. در این زمینه، توانمندی زنان سرپرست خانوار از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، روانی و سیاسی بسیار ضروری است و این امر نه تنها به این زنان و فرزندانشان کمک می کند بلکه جامعه و کانون خانواده نیز سلامت و استحکام بیشتری را تجربه می کند.
متاسفانه میزان کمک دستگاه‌های حمایتی به این افراد بسیار ناچیز است و کفاف نیازهای آن‌ها را نمی دهد. از این منظر، صاحب نظران تاکید دارند که باید به تناسب نیازهای این قشر، برنامه هایی را برای توانمندسازی و مهارت آموزی به این افراد اجرایی کرد و بستری فراهم شود تا آن‌ها در بلندمدت بتوانند تامین کننده نیازهای اقتصادی و... خود باشند.
اما رویکرد دیگر برای حل مشکلات این زنان، باید در حوزه فرهنگی تعریف و در حقیقت تلاش شود نگاه و رویکردهای سنتی که به این پدیده وجود دارد اصلاح و فرصت‌ها و ظرفیت‌های بیشتری برای اشتغال و معیشت این زنان در جامعه فراهم شود. اکنون به دلیل حاکم بودن فضای سنتی در ایران، به این مفهوم نگاهی سطحی و منفی وجود دارد. یکی از تبعات این رویکرد، وجود نداشتن فرصت‌های برابر اشتغال و... در جامعه برای این قشر است که آسیب هایی را رقم می زند. حال آن که اغلب این زنان، احساس مسئولیت بیشتری در قبال نیازهای خانواده خود دارند و برای بهبود وضع بهداشتی، آموزشی و رفاهی اعضای آن تلاش می کنند. طرد این زنان از سوی جامعه و حتی خانواده‌هایشان جز تشدید آسیب‌ها، نتیجه دیگری ندارد.
یکی از ظرفیت‌ها و امکاناتی که باید به صورت ویژه برای این زنان تعریف شود، حوزه سلامت و درمان است. این افراد به واسطه تحمل شرایط سخت کاری و خانوادگی و بر دوش کشیدن مسئولیت‌های مضاعف، در معرض افسردگی و یا بیماری‌های جسمانی هستند و از این منظر، باید حمایت‌های ویژه ای در این بخش دریافت کنند. در این میان، اجباری شدن بیمه همگانی و تحت پوشش قرار گرفتن گروه‌های اجتماعی که از این قافله جامانده‌اند، می‌تواند به این مهم کمک کند.
به واقع، هیچ کس نمی تواند منکر نقش رسانه ها در افکار عمومی جامعه باشد. بنابراین رسانه ها می توانند با پرداختن به این مسئله، توجه عموم مردم و مسئولان را به آن جلب کنند و بسترساز تامین حمایت‌های بیشتر شوند.
امیدواریم روزی را شاهد باشیم که جامعه ما با نگاهی معقولانه، گروه‌ها و قشرهای خاص خود را می‌پذیرد و با هدف توانمند کردن آن‌ها تلاشی مضاعف را انجام می‌دهد.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

تیم‌های آلکمار و هیرنفین در دیدار پایانی هفته دهم لیگ برتر هلند به مصاف یکدیگر رفتند که این بازی در نهایت با برتری ۲ بر یک آلکمار به پایان رسید. پس از پایان این دیدار رضا قوچان نژاد مهاجم تیم هیرنفین پیراهن خود را به علیرضا جهانبخش دیگر ملی پوش کشورمان که در تیم آلکمار حضور دارد، هدیه داد. جهانبخش نیز در صفحه شخصی خود از این اقدام قوچان نژاد تشکر کرد. او هم در اقدامی متقابل پیراهنش را برای گوچی فرستاد.

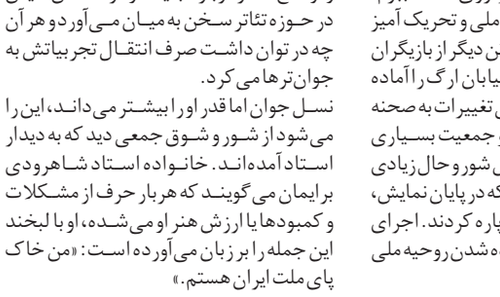

عکس از طبیعت پاییزی - ارسالی از مصطفی اسدی

هنرنمایی یک معلم خوش ذوق کف حیاط مدرسه، با برگ‌های پاییزی - ارسالی از اشکان محمودی

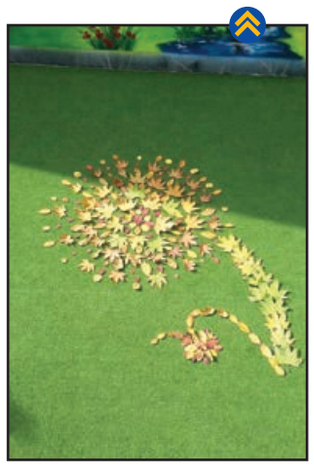

رضا کیانیان: برخی رسانه‌ها انتظار دارند نوکرشان باشیم

رضا کیانیان که به نمایشگاه مطبوعات رفته بود، مدعی شد: در مرحله اول این رسانه‌ها هستند که به ما محتاج‌اند و بعد ما هستیم که به آن‌ها نیاز داریم. به گزارش خبرآنلاین، این هنرمند خراسانی در پاسخ به این سوال که رابطه هنرمندان را با رسانه‌ها چطور می‌بیند، افزود: «در مرحله اول این رسانه‌ها هستند که به ما محتاج‌اند و بعد ما هستیم که به آن‌ها نیاز داریم. در تمام دنیا رسانه‌ها برای این که با یک هنرمند گفت‌وگو کنند، مبلغی را به او می‌پردازند. این جا ما پول نمی‌گیریم اما بعضی از رسانه‌ها انتظار دارند نوکرشان باشیم و هر چه می‌خواهند و می‌گویند بگوییم چشم!»
او تصریح کرد: «زندگی ما چیست؟! این است که اثر هنری تولید کنیم و این نیست که در رسانه‌ها حضور داشته باشیم ولی رسانه‌ها زندگی‌شان و دلیل وجودی‌شان این است که اتفاقاتی را که در جامعه می‌افتد، بازتاب دهند. پس رسانه‌ها باید آن چه را ما انجام می‌دهیم، منعکس کنند. همین!» کیانیان درباره وضعیت تئاتر خصوصی گفت: «من به شهرستان‌ها که می‌روم به بچه‌های تئاتری می‌گویم شما نباید از اداره ارشاد شهرتان توقع داشته باشید بودجه‌ای را که در اختیار دارد به شما بدهد تا شما تئاتر روی صحنه ببرید. شما باید خودتان تئاتر تان را بسازید! می‌پرسند چطور؟! راه‌های زیادی هست که در همان گفت‌وگوها به آن‌ها می‌گویم. می‌گویند پس بودجه‌ای که در اداره ارشاد است باید صرف چه چیزی شود؟! می‌گویم آن بودجه برای این است که از تهران نمایش‌های خوب را به شهرستان‌ها دعوت کنند تا شما با تولیدات حرفه‌ای آشنا شوید!»